



## در اتاق تهران چه گذشت؟

کسانی که اخبار و تحولات اتاق بازرگانی را دنبال میکنند میدانند که تا پیش از سال ۱۳۸۲ - که آغاز دوره پنجم هیأت نمایندگان اتاقهای بازرگانی بود - اتاق تهران عملاً وجود نداشت و تنها نامی بود زیر سایه سنگین اتاق ایران. در سال ۱۳۸۲ با پیروزی نمایندگان جناح خواستاران تحول در اتاقهای بازرگانی و پس از آن در انتخابات هیأت رئیسه اتاق تهران، فرصتی بوجود آمد تا اتاق تهران مستقل از اتاق ایران به فعالیت بپردازد. این فعالیت با انتقال اتاق تهران به مکان دیگری صورت جدی تری بخود گرفت و با فراهم شدن زمینه فعالیت جدی اتاق، تعداد اعضای اتاق تهران طی مدت ۴ سال از ۸۰۰۰ نفر به حدود ۱۹/۰۰۰ نفر افزایش یافت. از این تحول مهم میبایست به عنوان مهمترین رویداد تاریخ ۳۲ ساله پس از انقلاب اتاق تهران یاد کرد و آنرا اصلی ترین دستاورد حرکت تحول خواهی در این اتاق دانست.

تولد اتاق تهران در دوره پنجم و اقداماتی که در آندوره صورت گرفت سطح توقع و هوشیاری همه ذینفعان اتاق اعم از اعضا، دولت و هیأت نمایندگان را بالا برد و کار دوره ششم را سخت تر از دوره ماقبل آن نمود. انتخابات دوره ششم با کار شکنیهای متعددی از سوی جناح حاکم بر اتاق ایران و منصوبین آنها در انجمن نظارت بر انتخابات همراه بود که از آن جمله میتوان به رد صلاحیت عده ای از نمایندگان خواستاران تحول و تنی چند از دیگر نامزدها و پس از آن رد اعتبارنامه برخی از منتخبین خواستاران تحول پس از پیروزی در انتخابات اشاره نمود. خوشبختانه بسیاری از این کارشکنیها با جهت گیری متعادل وزارت بازرگانی و ایستادگی نماینده این وزارتخانه در هیأت نظارت، یعنی شجاع الدین بازرگانی - معاون پارلمانی وقت وزیر بازرگانی - رفع گردیدند.

تنها مورد مهمی که برخورد درستی با آن صورت نگرفت رد اعتبارنامه نماینده اول اتاق تهران، محمد رضا بهزادیان، بود.

وی که بیشترین رأی را در انتخابات دوره ششم اتاق تهران نصیب خود نموده بود به بهانه لغو کارت بازرگانی توسط کمیته انضباطی دوره قبل - که ستیز علینقی خاموشی و یارانش با وی که رئیس وقت اتاق تهران بود، موجب این امر گردید - تأیید اعتبار نشد، حال آنکه اگر این ابطال کارت درست بود پس چرا به وی اجازه شرکت در انتخابات داده شد؟ علیرغم تمام این فراز و نشیبها نتیجه انتخابات اتاق تهران پیروزی خواستاران تحول بر جناح رقیب، موسوم به مجمع فعالان توسعه، بود به نحوی که از ۴۰ نماینده منتخب ۲۳ نفر از خواستاران تحول و ۱۷ نفر از فعالان توسعه بودند. خواستاران تحول با پیروزی در این انتخابات به دست گرفتن سکان هدایت اتاق تهران را حق مسلم خود میدانست و تلاش نمود تا دولت را در ادامه مشی متعادلش در برگزاری انتخابات به بی طرفی متقاعد نماید.

اما مذاکرات با شجاع الدین بازرگانی که پس از انتخابات نیز نقش هماهنگ کننده نمایندگان دولت را ایفا مینمود به نتیجه مورد انتظار نرسید و خواستاران تحول تصمیم بر معرفی مستقل نامزدهای خود برای کسب ۵ کرسی هیأت رئیسه نمود و البته اصلاً پیش بینی نمی کرد که نمایندگان دولتی تماماً رأی خود را به نامزدهای مجمع فعالان توسعه بدهند. اما این اتفاق افتاد و جناح اقلیت باتکیه بر آرای نمایندگان دولتی بر کرسیهای هیأت رئیسه اتاق تهران نشست.

قبول شکست پس از پیروزی در انتخابات اصلی برای ما مشکل بود و حتی هنوز هم پس از گذشت قریب به ۴ سال از آن زمان در گفتمان داخلی خواستاران تحول این دو دیدگاه که یکی تکیه به آراء اکثریت و حفظ استقلال از دولت و دیگری کسب قدرت در اتاق به بهای تأمین نظر دولت هستند مورد بحث و مناقشه هستند. یادآوری آنچه بر حرکت تحول خواهی در اتاق تهران گذشت از این حیث مفید و لازم است که در آستانه انتخابات دوره جدید تحریف تاریخی صورت نپذیرد و رأی دهندگان نیز با آگاهی از این رفتارها برای رأی خود تصمیم بگیرند.